حوادث کوتاه

درگیری مرگبار ۲ پسرعمو در شهرستان شوش

پسر جوان که در یک درگیری خونین پسرعمویش را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود در یک عملیات پلیسی دستگیر شد. سرهنگ روح الله یاری رئیس پلیس شوش گفت: در پی وقوع درگیری مرگبار در منطقه میان‌آب شهرستان کرخه و متواری شدن قاتل، رسیدگی به موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس انتظامی و آگاهی این فرماندهی قرار گرفت.
وی افزود: با حضور سریع مأموران پلیس و تحقیقات به عمل آمده هویت قاتل که پسر عموی مقتول می‌باشد شناسایی و کمتر از ۶ ساعت در عملیات منسجم در مخفیگاهش دستگیر شد.
فرمانده انتظامی شهرستان شوش با اشاره به کشف یک تیغه چاقو به کار رفته در قتل، گفت: متهم در تحقیقات پلیس به بزه ارتکابی اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شد.

قتل مرد شیرازی به دست پسر ۲۱ ساله

پسر جوانی که در اقدامی مرگبار مردی ۳۸ ساله را در فسا به قتل رسانده بود پس از دو روز زندگی پنهانی زمینگیر شد.
سرهنگ محمدهاشم قسام رئیس پلیس فسا گفت: سه‌شنبه هفته گذشته در پی گزارش اورژانس بیمارستان به مرکز فوریت‌های پلیس مبنی بر پذیرش فردی مجروح با سلاح سرد، بلافاصله مأموران انتظامی برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند.
وی با بیان اینکه مجروح به علت شدت جراحات در بیمارستان فوت کرده است، ادامه داد: در تحقیقات اولیه مشخص شد متوفی که ۳۸ساله بود، با جوانی ۲۱ ساله اختلاف شخصی داشته و توسط وی با اسلحه سرد، مجروح شده و به قتل می‌رسد. سرهنگ «قسام» به تشکیل اکیپ پلیس برای شناسایی مخفیگاه و دستگیری متهم به قتل اشاره کرد و افزود: کارآگاهان پلیس آگاهی با اقدامات تخصصی و فنی موفق شدند مخفیگاه متهم را شناسایی کرده و کمتر از ۴۸ ساعت پس از قتل، وی را در بخش شیبکوه دستگیر کرده و به دادسرا تحویل دهند. سرهنگ «قسام» خاطرنشان کرد: فاصله گرفتن از سبک زندگی ایرانی-اسلامی و ترویج فرهنگ بیگانه از طریق فضای مجازی، ماهواره و...، تبعات منفی و تأسف‌باری نظیر این قتل را در پی خواهد داشت.

زورگیری سارق خشن از ۱۰۰ زن تهرانی

سارق جوان که ۱۰۰ زن را هدف زورگیری‌های وحشت‌آور قرار داده بود در عملیات پلیسی دستگیر شد. سرهنگ محمد قاسم طرهانی رئیس پلیس شهرری گفت: در پی ِاشراف اطلاعاتی مأموران کلانتری ۱۶۸ سیزده آبان محل اختفای یکی از سارقان حرفه‌ای را که به شیوه زورگیری اقدام به سرقت طلاجات از بانوان در نقاط مختلف تهران می‌کرد در محله سیزده آبان شناسایی کردند.
وی افزود: پس از مراقبت‌های شبانه‌روزی و انجام هماهنگی‌های لازم سرانجام در ۵ تیرماه سال جاری تیم عملیات به مخفیگاه متهم اعزام شدند و در یک عملیات منسجم متهم را در مخفیگاهش دستگیر و به کلانتری منتقل کردند. فرمانده انتظامی شهرستان ری اظهار داشت: در تحقیقات به عمل آمده متهم ۴۰ ساله به بیش از ۱۰۰ فقره زورگیری از بانوان در سطح شهر تهران به ارزش بیش از ۱۰ میلیارد ریال اعتراف کرد که برای بررسی بیشتر، پرونده به همراه متهم تحویل پلیس آگاهی شهرستان ری شد. سرهنگ طرهانی، با اشاره به اینکه پلیس با به‌کارگیری تمام توان عملیاتی و انتظامی خود در تأمین نظم و امنیت شهروندان تلاش می‌کند، خاطرنشان کرد: از شهروندان انتظار داریم با رعایت هشدارهای پلیسی در زمینه پیشگیری از سرقت در صورت مشاهده هرگونه موارد مشکوک در اسرع وقت مراتب را به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارش کنند.

۲۵ کشته در آتش‌سوزی مرگبار اتوبوس جشن عروسی

تصادف اتوبوس حامل میهمانان مراسم عروسی در غرب هندوستان، دست کم ۲۵ کشته برجای گذاشت. بر اساس اعلام مقامات ایالت ماهاراشترا در غرب هندوستان، در پی تصادف و آتش سوزی یک دستگاه اتوبوس حامل میهمانان جشن عروسی، دست کم ۲۵ نفر جان خود را از دست دادند. بابورائو ماهامونی، معاون رئیس پلیس شهر بولداهانا در ایالت ماهاراشترا گفته است که این حادثه در آزادراه رخ داده و مصدومان به بیمارستانی نزدیک منتقل شده‌اند. پلیس بر این باور است که اتوبوس مذکور به‌دلیل بارش باران حوالی ساعت ۲ بامداد دیروز(شنبه) به وقت محلی دچار حادثه و سپس حریق شده است.

این زن با مرد غریبه شوهرش را کشت

خیانتی که به جنایتی بی‌رحمانه انجامید

۱۲ سال از ازدواجمان می‌گذشت شوهرم هیچ محبتی به من نداشت و حتی مانع بچه‌دار شدنمان بود و به طلاق هم رضایت نمی‌داد برای رهایی از این همه فشار وقتی با مرد غریبه‌ای که در فضای مجازی آشنا شده بودم تصمیم گرفتم برای همیشه انتقام ۱۲سال تنهایی خودم را از او بگیرم.
این جملات تکان‌دهنده زنی است که پای میز محاکمه در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز ایستاد و درحالی که از خجالت حضور پدرومادر مقتول سرش را پایین انداخته بود خودش را مستحق مرگ دانست.
به گزارش اختصاصی خبرنگار جنایی «ایران» رسیدگی به این پرونده تکان دهنده از وقتی کلید خورد که ۴سال قبل نیمه شب زن جوانی به نام مرضیه ۳۸ساله هراسان با اورژانس تماس گرفت و مدعی شد که حال همسرش وخیم است و او نفس نمی‌کشد؛ طولی نکشید که تیم نجات راهی خانه زن جوان شدند و با پیکر بی‌جان سهراب روبه‌رو شدند.
مرضیه درحالی که رنگ بررخ نداشت و صدایش می‌لرزید به تیم امدادگر گفت: با سروصدای عجیب سهراب از خواب بلند شدم او به سختی نفس می‌کشید هرچقدر سعی کردم بلندش کنم نتوانستم...اما این جملات هم نتوانست امدادگران را منحرف کند و مرگ سهراب را مشکوک اعلام کردند. با اعلام مرگ مرموز سهراب، اکیپی از مأموران پلیس آگاهی استان البرز راهی خانه سهراب شدند.
بازپرس کشیک کمی بعد خودش را به صحنه جنایت رساند و در نخستین گام دستور داد این پیکر بی‌جان به پزشکی قانونی منتقل شود.

رازگشایی از علت مرگ

درحالی که کارآگاهان جنایی تحقیقات خود را تازه شروع کرده بودند نظریه کارشناسان پزشکی قانونی نشان می‌داد که سهراب براثر فشار به عناصر حیاتی ناحیه گردن کشته شده است؛درحالی که همسر سهراب اعلام کرده بود که شوهرش نیمه شب دراثر تنگی نفس جان باخته است.

سهراب را چه کسی کشته است؟

با روشن شدن این موضوع که سهراب با مرگ طبیعی فوت نشده است بنابراین با اثبات فرضیه قتل دستور تحقیق از همسر مقتول و بررسی مکالمات تلفنی وی صادر شد.

راز زن خیانتکار

مرضیه به عنوان نخستین مظنون به اداره آگاهی فراخوانده شد و تحقیقات گسترده‌ای از وی انجام شد.
وقتی زن ۳۸ ساله تحت بازجویی قرار گرفت پس از چند روز سرانجام لب به اعتراف گشود و راز درون سینه‌اش را برای افسر پرونده برملا کرد.

اعتراف به جنایت

مرضیه در اظهاراتش گفت: ۱۲سال از ازدواجم با سهراب می‌گذشت. اوایل، زندگی خوبی داشتیم اما شوهرم که در کار ساخت‌وساز و برج‌سازی بود، کم کم آنقدر سرگرم کار و پول درآوردن شد که من را فراموش کرده بود، از طرفی اخلاق و رفتارش نیز تغییر کرده بود و دیگر هیچ توجهی به من نداشت و من از تنهایی و مشکلات زندگی خسته شده بودم.

ردپای خیانت

متهم در ادامه تحقیقات پلیس مدعی شد بعد از مدتها زندگی و تحمل فشار تنهایی به طور اتفاقی در فضای مجازی با مرد جوانی به نام سیامک آشنا شدم و بعد از مدتی به هم علاقه‌مند شدیم. او حرف‌هایم را می‌فهمید و با صحبت‌هایش مرا درک می‌کرد.
به همین خاطر تصمیم گرفتم از شوهرم جدا شوم اما او حاضر به جدایی و طلاق من نبود. وقتی موضوع را به سیامک گفتم عصبانی شد و گفت برای اینکه با تو ازدواج کنم حاضرم شوهرت را به هر طریقی از سر راه بردارم.

سناریوی قتل چه بود؟

برای قتل شوهرم نقشه‌ای کشیدیم. طبق نقشه قرار بود من با قرص‌های خواب آور سهراب را مسموم کنم. سهراب شب حادثه با خوراندن داروی خواب‌آور زودتر از همیشه خوابید. من هم در خانه را باز گذاشتم تا سیامک وارد شود و از او خواستم نقشه قتل را اجرا کند.
او نیمه‌شب به خانه ما آمد و در خواب شوهرم را با روسری‌ام خفه کرد و بعد از رفتنش من با اورژانس تماس گرفتم و درخواست کمک کردم.

در دادگاه چه گذشت؟

با اعتراف‌های این زن سیامک نیز بازداشت شد. سیامک ۳۴ساله که صاحب یک مغازه بود دستگیر شد و پس از بازجویی به جنایت خوداعتراف کرد.
این پرونده با صدور کیفرخواست از سوی نماینده دادستان به شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز منتقل شد و هر دو متهم پای میز محاکمه ایستادند.
در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده، پدر و مادر مقتول در جایگاه ایستادند و با طرح شکایت، خواستار قصاص عاملان قتل فرزند خود شد ند.

عشق کاذب باعث شد عقلم را ازدست بدهم!

به‌دنبال طرح شکایت والدین مقتول، متهم ردیف اول این پرونده پشت میز محاکمه ایستاد و درحالی که اتهامش را قبول داشت، گفت: من فریب حرف‌های این زن را خوردم و به‌دنبال عشق کاذبی که به او داشتم، عقلم را ازدست دادم و دست به این جنایت زدم. من خودم را مقصر می‌دانم و الان بشدت از این ماجرایی که رخ داده است، پشیمانم.

ماجرای جنایت از زبان سیامک

سیامک در شرح واقعه به دادرسان دادگاه گفت: وقتی در فضای مجازی با این زن آشنا شدم، نمی‌دانستم که چه سرانجام شومی در انتظارم است. قبول دارم که کارم اشتباه بوده است. وقتی این زن برایم درددل می‌کرد و از شوهرش بد می‌گفت، حرف‌هایش را باور کردم و با خودم گفتم باید او را از دست شوهرش نجات دهم. آنقدر دلباخته او شده بودم که عقلم کار نمی‌کرد. او درحالی که از اولیای دم طلب بخشش داشت؛ خودش را مستحق اعدام دانست.

همسر مقتول پای میز محاکمه

با پایان اظهارات سیامک، همسر مقتول که به اتهام معاونت در قتل پای میز محاکمه ایستاده بود درحالی که سرش را پایین انداخته بود، گفت: من از پدرومادر همسرم خجالت می‌کشم و شرمنده آنها هستم.
من ۱۲سال با این مرحوم زندگی کردم اما به خاطر اخلاق و رفتارش همیشه در عذاب بودم.
او حتی مانع فرزندار شدن‌مان بود؛ این ماجراها آنقدر هر روز تکرار شد تا اینکه در فضای مجازی با کسی آشنا شدم که ادعا می کرد حرف‌های مرا می‌فهمد و از حرف زدن با او به خیال خودم، آرامش می‌گرفتم.
من اشتباه کردم نمی بایست نقشه قتل او را می‌کشیدم. پس از پایان جلسه قضات دادگاه برای صدور حکم وارد شور شدند.

نظریه کارشناسی

فهیمه محمدیان کارشناس ارشد روانشناسی
بوی تعفن خیانت پیچیده این پرونده خونین است. توجیه هر یک از متهمان چه زن وچه مرد از ارتباط باهم غیرقابل قبول است. زن خیانت کرده است ودر مقابل رفتار مرد هم که می‌دانست این زن متأهل است کاملاً غیرمنطقی بوده است.
درهمه پرونده‌هایی که رنگ ولعاب خیانت به چشم می خورد شاید اول مرد خیانت‌کننده بیشتر مورد ظن باشد اما در این فرصت می خواهم رفتار فردی چون سیامک را مورد تحلیل کارشناسی قرار بدهم.
این فرد یا افراد دیگر که می‌دانند فرد دلباخته‌شان متأهل است دست به اعمال اشتباه خود می‌زنند که سرانجامی چون این پرونده، پیدا خواهند کرد.
این افراد با جملاتی چون اسیر و دلباخته فرد شدم، عشق سوزان او مرا گرفتار کرد و هزاران جملات دیگر درنهایت می خواهند تمام اتهامات را به فرد خیانت کننده ربط دهند درحالی که به اعتقاد من آنها نیز شریک این بلوا هستند که بوی شیطانی به خود گرفته است.
همسرانی که در باتلاق تنهایی قرار گرفتند و با زوجین خود ارتباط اولیه را ندارند فکر نکنند که تنها راه حل آنها پایان زندگی و طلاق است این افراد می‌توانند با مراجعه به مراکز مشاوره، مشکل خود را مطرح تا راه‌حل مناسب برای رهایی ازاین ماجرا را پیدا کنند.
بنابراین هیچ وقت عجله نکنید، زود تصمیم نگیرید؛ زود قضاوت نکنید و برای فرار از تنهایی دست به عمل زشت خیانت نزنید که نتیجه خوبی دربرنخواهد داشت وشما را بیشتر گرفتار خواهد کرد.

اتفاق دردناکی که در اردبیل رخ داد

قتل عمومی ۵ ساله در خشم برادرزاده ۲۲ ساله

پسربچه اردبیلی که ۵ سال بیشتر نداشت و به صورت امانت به برادرزاده ۲۲ ساله‌اش سپرده شده بود به قتل رسید.
بعد از قتل پسر خردسال اردبیلی به دست برادرزاده جوانش در سال ۱۳۹۴، ولی دم پرونده با تلاش اعضای هیأت صلح بخشایش ستاد صبر استان اردبیل از قصاص گذشت کرد.
به گزارش «ایران»، محمد علاقه زیادی به امید خود داشت. همه می‌دانستند که این پسربچه ۵ ساله به حدی امید را دوست دارد که اگر ساعت‌ها هم با او تنها بماند بهانه‌گیری نمی‌کند. محمد به محض اینکه چشمش به امید می‌افتاد بغل او می‌پرید و یک لحظه از او جدا نمی‌شد.
برای همین مادر محمد که از چند سال قبل از حادثه با پدربزرگ امید ازدواج کرده بود، اگر کاری داشت بچه‌اش را به امید می‌سپرد تا از او مراقبت و نگهداری کند. محمد با همان شیرین زبانی مخصوص خودش همیشه از لحظاتی که در کنار امید خوش می‌گذراند برای مادرش تعریف می‌کرد. اما این لحظه‌های خوش بین عمو و برادرزاده، ۸ سال قبل پایان فاجعه باری داشت و هیچ کس فکرش را هم نمی‌کرد که ارتباط دوست داشتنی این کودک با امید رنگ خون و جنایت به خود بگیرد.
رسیدگی به پرونده قتل محمد ۵ ساله از ۸ سال قبل با کشف جسد او در خانه پدرش در دستور کار مأموران پلیس اردبیل قرار گرفت. در حالی که جسد محمد لای یک پتو پیچیده شده بود، بررسی‌ها و معاینات پزشکی قانونی نشان داد که نزدیک ۲ روزاز قتل او می‌گذرد.
تحقیقات حکایت از آن داشت که محمد در آخرین روزهای قبل از حادثه نزد برادرزاده ۲۲ ساله خود نگهداری می‌شد و مادرش برای چند روزی بچه را در خانه گذاشته و به سفر رفته بود. اما موقعی که از سفر بازگشت با پیکر بی‌جان فرزند خود مواجه شد که لای یک پتو پیچیده شده بود.

اعتراف به قتل عمومی خردسال

به این ترتیب برادرزاده محمد به عنوان تنها مظنون به قتل او بازداشت شد و در حالی که در ابتدا سعی داشت پرونده را از مسیر اصلی منحرف کند، در ابتدا ادعا کرد که محمد تصادف کرده و او از ترس جسدش را لای پتو پیچیده چون نمی‌دانست موضوع را چطور به مادر محمد بگوید.
اما در بررسی‌ها و معاینات پزشکی قانونی مشخص شد که ضربه به سر باعث مرگ پسرک خردسال شده بود که نمی‌توانست بر اثر تصادف باشد.
بنابراین بازجویی از متهم پرونده وارد فاز تخصصی و فنی شد که سرانجام امید لب به اعتراف گشود و پرده از راز جنایت برداشت و گفت: «روز حادثه با محمد در خانه تنها بودیم. او بازیگوشی می‌کرد و سر و صدا راه می‌انداخت. همین باعث شد که من از دستش کلافه شوم. چند بار به او تذکر دادم و گفتم آرام باش اما گوشش بدهکار نبود. بالاخره اینقدر عصبانی شدم که او را کتک زدم. می خواستم تنبیه‌اش کنم تا کمی آرام بگیرد و قصد کشتن او را نداشتم اما ناگهان سرش با شدت به دیوار برخورد کرد که موجب مرگ او شد.»
متهم در ادامه گفت: «به حدی ترسیده بودم که نمی‌دانستم باید چه کار کنم. می خواستم محمد را به بیمارستان برسانم تا جانش را نجات دهم اما متوجه شدم که او دیگر نفس نمی‌کشد و کار از کار گذشته بود. برای همین جسدش را لای پتو پیچیدم تا به پدربزرگم و مادر محمد بگویم که او تصادف کرده است.»

تلاش برای جلب رضایت

با طی روال قانونی در پرونده، متهم پای میز محاکمه رفت و در دفاع از خود اظهار ندامت و پشیمانی کرد. او می‌گفت عموی خردسال خود را دوست داشته و دلش نمی‌خواست چنین بلایی سر محمد بیاید. در همین حال پدربزرگ امید به عنوان یکی از اولیای دم از قصاص نوه خود اعلام گذشت کرد اما مادر محمد حاضر به گذشت از قصاص نبود. او می‌گفت صحنه‌سازی امید بعد از قتل جایی برای بخشش باقی نمی‌گذارد و به همین دلیل خواستار قصاص قاتل فرزندش شده بود. مادر محمد به حدی به قصاص اصرار داشت که حتی سهم دیه بعد از اعلام رضایت پدر را هم واریز کرده بود تا قاتل را قصاص کند. تا اینکه اعضای هیأت صلح بخشایش ستاد صبر که زیر نظر ستاد توسعه حل اختلاف استان اردبیل فعالیت می‌کنند، تلاش خود را برای جلب رضایت مادر محمد آغاز کردند و سرسختی ولی دم برای اجرای حکم قصاص باعث ناامیدی آنها از جلب رضایت نشد. سرانجام تلاش اعضای این هیأت ثمربخش بوده و مادر محمد بعد از ۸ سال که از وقوع جرم می‌گذشت حاضر به گذشت از قصاص شد و همزمان با عیدسعید قربان امید را بخشید.
به این ترتیب متهم بار دیگر فرصت زندگی پیدا کرد. بنا بر این گزارش متهم بزودی به لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه خواهد رفت.

اجاره دادن کودک به دزد توسط مادر بی عاطفه

زن جوان که فرزند خردسال خود را به یک سارق اجاره می‌داد، بازداشت شد.
به گزارش «ایران»، مدتی قبل شناسایی مالخرها با دستور سردار محمدیان فرمانده انتظامی تهران در دستور کار مأموران پلیس قرار گرفت. بنابر این یکی از این مالخرها در منطقه هرندی شناسایی شده و مراودات او تحت نظر قرار داده شد که منجر به انهدام باند گوشی قاپی شده و سپس راز زن جوانی که فرزند خود را به‌عنوان پوشش به سارقان اجاره می‌داد، برملا و بازداشت شد.
رسیدگی به این پرونده از مدتی قبل با دستگیری مالخر در دستور کار بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ ویژه سرقت قرار گرفت. زمانی که این مالخر تحت نظر قرار گرفت، مشخص شد که او با سارق ۱۹ ساله‌ای در ارتباط است که این فرد چند بار موقع تحویل گوشی‌های سرقتی در حالی به منزل این مالخر مراجعه کرده بود که یک کودک ترک موتور او نشسته بود.
با توجه به حساسیت موضوع دستور بررسی آن داده شد و بعد از دستگیری سارق و مالخر مشخص شد که سارق ۱۹ ساله این کودک را از مادرش اجاره کرده و همراه خود برای تحویل گوشی‌های سرقتی به مالخر می‌برد تا حضور کودک سبب شود در طول مسیر مأموران گشت پلیس به این سارق مظنون نشوند.
در حالی که دیگر اعضای باند سرقت شناسایی و دستگیر شدند، تحقیقات برای مشخص شدن تعداد سرقت‌های آنها آغاز شد و شناسایی شاکیان در دستور کار قرار گرفت.

دروغ بزرگ مادر بی‌عاطفه

در همین حال مادر کودک به اتهام مشارکت در سرقت از طریق اجاره دادن کودک خردسال خود بازداشت شد اما در بازجویی‌ها اتهام خود را انکار کرد و گفت: «سارق همسر من است. مدتی قبل من از شوهر اولم که پدر فرزندم است جدا شده‌ام و با این جوان ازدواج کردم. او گاهی اوقات پسر خردسالم را با خود به گردش می‌برد و من این را به حساب علاقه او به فرزندم می‌گذاشتم اما نمی‌دانستم که او سرقت می‌کند و از فرزندم به‌عنوان پوشش استفاده می‌کند.»
در ادامه بازجویی از متهمان این باند سرقت، سارق ۱۹ ساله و دیگر اعضای این باند ارتباط زوجیت بین مادر کودک و متهم ۱۹ ساله را نفی کرده و اظهار داشتند که او فرزندش را اجاره می‌داد. به این ترتیب رسیدگی اتهام این زن و دیگر اعضای باند گوشی‌قاپی در دستور کار بازپرس شعبه دهم دادسرای ویژه سرقت قرار دارد.